

در ستایش خدمتگزاری، در ستایش آنها که خوب می دانند اگر جایی قرار گرفته اند، مسوولند و بدهکار مردم، می دانند هرچه دارند از مردم است و اگر بالا رفته اند، نباید گذشته را فراموش کنند.

## مقدمه

### به نام خدا

انگیزه هر کار اجتماعی پیوند مخصوصی است که بین خدمتگزار و مراجعه کننده به وی برقرار می شود و در تمام جهات تابع همان پیوند خواهد بود. یعنی اگر آن ارتباط سالم بود کار سالمی صورت می پذیرد و اگر آن پیوند ناسالم بود کاری ناسالم به وجود می آید. براین اساس رابطه بین خدمتگزار و مراجعه کننده در جامعه اسلامی حول محور قرارداد و اعتبار اداری نمی گردد چون انگیزه در این نظام صیانت پیوند با خداست که همگان با ذات اقدسش ارتباط وجودی دارند و اگر مسائل دیگری مانند استخدام و ریاست و یا معاونت و ... مطرح است فقط به منظور ایجاد نظم صوری در جامعه می باشد و گرنه تنها عامل ارتباط بین افراد مسلمان در یک نظام اسلامی، همان پیوند بندگی با خدای سبحان است. خدمتگزارانی که پایه ی کارشان بر اساس مشروعیت عام و تحصیل رضای الهی بوده

مسرووند (ینقلب الی اهل مسرورا<sup>۱</sup>) و کارمندی که کارشان منامشروع یا هدفشان رسیدن به مقام وهمی و حفظ پیوند قراردادی بوده غمگین هستند زیرا آنچه را که حق و صواب بوده فراهم نکرده اند تا بماند و سودمند باشد. و آنچه فراهم نموده اند باطل و ناپایدار بود و با فرارسیدن روز حقیقت رخت بر بسته است (ما عندکم ینفذ ما عندالله باقی<sup>۲</sup>) پیشبرد اهداف مطلوب هر سازمان و اجرای کامل و دقیق طرح ها و برنامه ها در هر موسسه مستلزم وجود یک سیستم ارزشیابی موثر و قوی و عادلانه است که می تواند به مثابه محکی جهت سنجش کارهای فردی و عملیات گروهی و قضاوت در مورد شخصیت های حقیقی و حقوقی اداری به کار آید. اصل اساسی برای انتخاب کارگزار بی توجهی به زرق و برق امور دنیوی است انسان که موجودی نیازمند بوده و از زمان حبوط به زمین احتیاجات و ضروریات خاص خودش را داشته یعنی انسان ماقبل تاریخ و انسان عصر حاضر نیازهایی از قبیل خوراک, پوشاک, مسکن, ... را داشته و از جمله احتیاجات او نیاز به کار و تامین معاش بوده و هست. این انسان در معرض تهاجم و وسوسه اند و وسوسه ها جنبه های مختلفی دارند. شاید منصبی و مقامی بر این اساس تهیه کننده این نوشتار سعی نموده است که با الگو قراردادن نظرگاههای مکتب انسان ساز اسلام تلاش شده است تا در محدوده ی بضاعت مقوله ی وسیع و ظریف خدمتگزاران را از زوایای گوناگون تحت بررسی دقیق و

<sup>۱</sup> سوره انشاق آیه ۹  
<sup>۲</sup> سوره نحل آیه ۹۶

کامل قرار دهد. مطلب دیگر که در این نوشتار در مبحث تعهد و دیانت بدان اشاره می‌شود موضوع ایمان است که کلیه‌ی خدمتگزاران دولت از پایین‌ترین تا بالاترین پست سازمانی را شامل میشود و موضوع دیگر رعایت حق الناس است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. در خاتمه لازم به توضیح است که با تمام زحماتی که در جهت تهیه و تدوین این مجموعه انجام شده هرگز ادعای کامل و بی‌عیب و نقص بودن آنرا نداشته و از کلیه صاحبان علوم و دارای فضل به جد خواهانم تا ما را از راهنماییهای لازم محروم نفرموده و با اظهار نظر به جای خود در جهت کاملتر شدن مجموعه مرا مساعدت و یاری فرمایند.

## شیوه انتخاب خدمتگذار

مدیران اصولاً خدمتگذاران حکومتها هستند و از آنجا که هیچ حکومتی فاقد ایدئولوژی یا مکتب خاص خود نیست لذا مدیران نیز در سازمانها که خدمت گذاران و اجرا کنندگان برنامه های سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی و فرهنگی این نظام ها هستند خواه ناخواه مجری ارزشهای مکتبی یا عقیدتی حاکم بر اذهان رهبران آن نظام ها این نظام ها هستند خواه ناخواه مجری ارزشهای مکتبی یا عقیدتی حاکم بر اذهان رهبران می باشند و بیهوده است که چنین انگارند که در جوامع غیرمذهبی آنان تابع و پیرو مکتبی یا مذهبی نیستند و مستقل و بلاواسطه می اندیشند به اضافه آنکه مزیت یک جامعه اسلامی بر یک جامعه الحادی بر این است که در اینجا مدیریت در خدمت «وحی» و انگیزه حرکت و خدمت خدا است ولی در انجام مدیریت در خدمت انسانی است که انگیزه حرکت و خدمت مدیر را در خدمت خود و افکار تکوینی و به همان اندازه متلون و متنوع بر اثر گذشت زمان و سیر تکاملی که می پیماید می خواهد واقع امر این است که به اصطلاح علمای روانشناسی یا جامعه شناسی قادر نیستند مانند پزشکان یا جراحان بدن شناس با نسخه یا چاقوی جراحی ارواح انسانها را مورد معالجه قرار داده و با این داروها یا اعمال جراحی بتوانند شادی انسانها را درمان و مرضهای روانی را از ارواح طیبه آنها بدر آورند و مانند یک عضو فاسد از بدن انسان بدور اندازند بدین لحاظ است که ما اصولاً معتقد به این امر نیستیم که

آنچه به نام علوم انسانی امروزه در دانشگاهها مطرح می‌شود اصولاً علم هستند و از همین گروه است مدیریت انسانها که چون مدیریت بر روان است و نه ابدان لذا کشف روابط و پدیده های رفتاری بین انسانهای مشغول در درون یک سازمان اگر هم به روشهای مشاهده یا توزیع پرسش نامه مورد ملاحظه و مطالعه قرار گرفته اند و از این رهگذر نتایج هم بدست آمد. آثار این نتایج حداکثر یک قضاوت نسبی برای مقطع زمانی خاص و فقط برای همان گروهی که در آن زمان تحت پرسش یا مشاهده قرار گرفته اند تا حدودی قابل تعمیم است. و نه به عنوان یک تجربه علمی برای تمامی اقوام و ملل که با فرهنگها، ادیان، اقوام و شرایط جغرافیایی و اقلیمی متنوع در جابجایی کره زمین زندگی می‌کنند.

بدیهی است که اصولاً نخستین پیرامون «روح» «روان» «تربیت» «جامعه» و یا سایر مباحث روحانی دیگر نیز توسط پیامبران آسمانی و در کتب آسمانی مطرح گردید و سعی بر اطلاق علم در عوض مکتب به این مباحث کلاه وارونه است که بر سر بشر به لحاظ عدم کوشش برای شناخت خود از طریق تفکر و تفحص در عالم خلقت و تعالیم الهی گذاشته می‌شود. با توجه به مطالب ارائه شده اینک می‌پردازیم به شیوه انتخاب خدمت گذار از دیدگاه اسلام اصل اساسی برای انتخاب خدمت گذار بی توجهی به زرق و برق امور دنیوی است انسانها در معرض تهاجم وسوسه اند وسوسه ها جبهه های مختلفی دارند و از جاهای مختلف حمله

می‌کنند شاید منصبی و مقامی سکوئی برای پریدن به خیلی از ملذات دنیوی باشد انسانها حاضرند در برابر دنیا دینشان را زیر پا بگذارند انسانها ظرفیت تقوای متفاوت دارند برخی آنان را در برابر دینشان را زیر پا بگذارند انسانها ظرفیت تقوای متفاوت دارند برخی آنان را در برابر لذائد بزرگ از دست نمی‌نهند و برخی در برابر کوچک و برخی هم هرگز برخی هم علف هرزه اند ریسمان محکم وجود ندارد که در حوادث به آن متوسل شوند در همان مقام کوچک هم تقاضای احترام دارند .

فرعونی است کوچک م کاردی کند دارد که نمی‌تواند ببرد ما از میزان ایمان افراد چیزی نمی‌دانیم اعمال فرد نمایشگر ضعف و قوت ایمان شخص هست. طالب الولایه لا یولی را چند بار در زندگی پیامبر بینیم؛

۱- ابوذر برای گرفتن مقامی به رسول خدا مراجعه می‌کند رسول ا... فرمود: تو مرد ضعیفی هستی برای تو مقام خوب نیست ابوذر دوست نزدیک رسول ا... است او را برای بردن این بار صالح نمی‌داند.

۲- عباس عموی پیامبر مکرر برای گرفتن منصب پا پیش گذاشت جواب همان بود که به ابوذر داد اما با عمو به زبانی نرمتر به همان دلیل « طالب الولایه لا یولی »

۳- طلحه و زبیر نزد علی علیه‌السلام آمده اند داستان تساوی و تقسیم بیت المال و خاموش کردن شمع بیت المال و سوال از اینکه کار خصوصی دارید یا دولتی؟ ... چون پیشنهاد مقام

می‌کنند طلحه را برای بصره زبیر را برای کوفه علی علیه‌السلام همام سخن رسول... را  
می‌گویند در نظر داشتیم... ولی «طالب الولایه لا یولی»

۴- دیدیم که ابوحنیفه تازیانه‌های منصور را مکرر خورد اما نان قضاوت را یکبار هم نخورد.  
بهترین مقام برای انسان متکامل همان عنداللهی شدن اوست و این مقام را خداوند متعال  
برای فرشتگان قرار داد بطوریکه عده‌ای از فرشتگان، عنداللهی و در حضور خدایند برای  
رسیدن به مقام عنداللهی بهترین راه آن است که انسان خدا را حاضر و بر شئون خود  
شاهد ببیند چنین انسانی هم مراقب فکر و اندیشه خود است و هم مواظب عمل و کار خود  
این دو مطلب را قرآن به خوبی بیان کرده است یکی اینکه بهترین مقام برای انسان  
عنداللهی شدن است.

قرآن کریم وقتی کارها را مطرح می‌کند می‌فرماید کارها را به دست کسی بدهید که هم  
بتواند آن کار را از نظر معیارهای علمی بخوبی انجام دهد و هم پاسدار حقوقی مردم باشد  
این دو اصل هماهنگی تخصص و تعهد را در فرهنگ قرآن کریم مکرر می‌بینیم. یکی از  
مواردی که مسئله تخصص و تعهد را کنار هم ذکر می‌کند اینست که آن شخص می‌گوید «  
انی علیه لقوی» یعنی من می‌توانم این کار را انجام بدهم توانش را دارم اما تنها قوه  
داشتن کافی نیست باید امین بود لذا می‌گوید: «قوی امین» یعنی هم نیرومند و هم امین  
موسی علیه‌السلام وقتی خواست به عنوان شبان به شعیب خدمت کند دختر شعیب طبق

نقل قرآن کریم به شعیب گفت : پدر ! این جوان را برای خدمت اجیرکن زیرا بهترین کارگزار و خدمتگذار کسی است که در کارش توانمند و امین باشد. ( یا ابت استاجرہ خیر من استاجرت القوی الامین<sup>۳</sup> ) کسی که می تواند ولی امین نیست و کسی که امین است ولی نمی تواند! فقط آن کارگزار و کارمند و خدمتگذاری می تواند در نظام اسلامی خادم باشد و توفیق خدمت را فراهم کند که کارش نیرومند و هم در قلمرو کارش پاسدار حقوق مردم باشد.

وقتی یوسف صدیق علیه السلام بعد از جریان زندان تحمیلی به مقام شامخ وزارت اقتصاد و دارایی و بودجه کشور مصر رسید در دوران قحطی می گوید من می توانم بودجه مصر قحطی زده را به خوبی فراهم و توزیع کنم. ( قال اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم<sup>۴</sup> ) در قرآن کریم سراسر شغل های حساس و غیر حساس جامعه را با این دو اصل مطرح کرده است هم شبانی رمه داری و دامداری در سینه کوه که ساده ترین شغل های اجتماعی است با تعهد و تخصص در قرآن یاد شده و هم وزارت امور مالی در کشور وسیعی چون مصر در زمانی که با قحطی و گرفتاری و گرانی دچار شده با تعهد و تخصص ذکر شده است.

نمونه این اصلها را در سیره عملی بزرگان می خوانیم که وقتی به ، یک قدرت جهانی میرسند

---

<sup>۳</sup> سوره قصص آیه ۲۶  
<sup>۴</sup> سوره یوسف آیه ۵



می‌گویند « هذا من فضل ربی » وقتی خدمتی به جامعه می‌کنند می‌گویند « هذا رحمته می‌ربی » اینها دیگر از کسی توقع نداشته تقاضای ستایش و نیایش نکرده‌اند و کارها را به رخ دیگران نکشیده‌اند و در زیر پوشش خدمتگذاری توقع ریاست نداشتند اینگونه رفتارها انسان را به مقام بلند عنداللهی می‌رساند و گرنه خدا به انسان می‌گوید که تو این کارها را برای لذت مقام کردی و به این مقام رسیدی و لذت بردی و اکنون هیچ بهره‌ای نداری این کارها برای آن کردی که نامت برده شود و مورد تشویق و تشکر مردم قرار بگیری و گرفتی، لذا امروز هیچ سهم و بهره‌ای نداری در قیامت می‌گویند این کار را کردی که به این پست برسی و رسیدی از حرمت و ریاست برخوردار شوی محترم شدی لذا هیچ بهره‌ای و سهمی در قیامت نداری .

### **آثار و فوائد حقوق کافی خدمتگذاران**

امام علیه‌السلام در این فراز از فرمان حکومتی فراگیر و جهان شمول خود به سه پایه اساسی و بنیادی در نظام اداری اشاره می‌فرماید که چنانچه کارمندان و خدمت‌گذاران محترم نظام اداری کشور به بهترین وضع سیر خود را طی می‌کند.

الف: در صورتی که کارمند و کارفرما به اندازه کافی برای شئون زندگی خود و افراد تحت تکفل حقوق دریافت کند می‌تواند در رابطه‌ای با اصلاح خود از نظر تجزیه و تطهیر مسائل اخلاقی اجتماعی اقتصادی، سیاسی، مذهبی، دینی موفق باشد و همت خود را بر آن نهد که

خود و فرزندانش را کنترل و در راه صحیح حرکت دهد و مفهوم مخالف آن انحراف کارگزار و افراد تحت تکفل وی می‌باشد در صورت عدم حقوق کافی برای هزینه های زندگی زیر فشار و تنگدستی به ویژه در صورت عدم تعهد لازم به التزامات دینی، سیاسی، اجتماعی انحراف انسانها را به سوی مفاسد اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در بر خواهد داشت که هر یک از اینگونه مفاسد برای سقوط خدمت گذار کافی می‌باشد و مستلزم اخراج وی از محیط کار وی و سلب پست مسئولیت می‌شود و طبعاً سقوط خدمتگذار ضربه ای بس بزرگ به نظام است و موجب اختلال نظام اداری خواهد گردید .

ب: اثر دوم حقوق کافی برای خدمتگذار آن است که وی گرفتار فساد اقتصادی، مالی، رشوه خواری یا اختلاس و سرقت نمی‌شود زیرا اینگونه انحرافات نشأت گرفته از فشار مالی و کمبود هزینه زندگی و در صورت دریافت حقوق کافی خدمت گذار خود را غنی و بی نیاز از رشوه و اختلاس و دستبرد در سرقت و یا هرگونه فساد مالی می‌بیند و حاضر نمی‌گردد حیثیت و شرف خود را دستخوش اقدامی کند. که نیاز به آن نداشته و ندارد قهری است برعکس تمام آثار نتایج معکوس می‌گردد. یعنی اگر خدمتگذار از حقوق کافی بهره مند نباشد مخصوصاً اگر از تعهد لازم و دیانت برخوردار نباشد هیچگونه امنیتی نسبت به رفتار وی نخواهد بود و فشار زندگی مخصوصاً اگر عائله مند باشد وی را به فساد اقتصادی و مالی وادار کرده و می‌نماید در نتیجه دولت امور را به دست کسانی سپرده است که

هیچگونه تضمین و امنیتی در رابطه با آنها وجود ندارد و براساس آن نظام اداری از هم پاشیده و مختل می‌گردد .

ج: فایده سوم حقوق کافی خدمتگذار این است که مدیران و مسئولین کشور دارای دلیل و برهان قاطع و کافی جهت احتجاج و استدلال نسبت به خدمتگذاران تحت امر خود در صورت سهل انگاری و تخلف اداری خواهند بود زیرا خدمتگذار در صورت دریافت حقوق کافی حق هیچگونه بهانه یا عذری برای سرپیچی و سهل انگاری و مخالف ندارد و مسئول فوق می‌تواند وجداناً و قانوناً و شرعاً برخورد تند و شدید خود را نسبت به آن متخلف نماید . بالعکس یعنی اگر به کارمند حقوق کافی پرداخت نشود گرچه هنگام گزینش و استخدام در فرمهای استخدامی کمال تعهد و التزام را از خدمتگذار گرفته باشند اما پیش آمد های زندگی و مسائل اجتماعی سیاسی و اقتصادی خواه ناخواه او را به سوی انحراف کشیده و در نتیجه کارمند مرتکب خلافهایی خواهد گردید که هنگام رسیدگی مسئول مافوق احساس اضطراری نسبت به وضعیت کارمند می‌کنند و اگر به وی حق قانونی و شرعی هم ندهید وجدان مسئول فوق اجازه برخورد شدید را با خدمتگذار نمی‌دهد و نتیجتاً جهت و دلیل کافی و برهان قاطع نخواهد داشت .

### **دولت و پرداخت حقوق کار گزاران**

(ثم اسبق علیهم الارزاق فان ذالك قوه لهم على استصلاح انفسهم و غنی لهم عن تناول ما

تحت ایدیهم و حجه علیهم ان خالفو امرک او ثلمو امانتک) <sup>۵</sup> پس به معیشت آنان توسعه و گشایش بخش زیرا این روش آنان را در اصلاح خود نیرو می‌بخشد و ایجاد انگیزه بر پاکسازی خود می‌نماید و از تجاوز و دست درازی به بیت المال که در اختیار دارند بی‌نیاز می‌کند و چنانچه با این رفتار آنان سر مخالفت را با تو بردارند و بر امانت تو که به آنان واگذار نموده‌ای (چه امانت شغلی و چه امانت مالی) خیانت ورزند آن زمان تو دارای حجت و دلیل خواهی بود.

### ضرورت حقوق کافی برای خدمتگذاران

ثم اسبق علیهم الارزاق

امام علیه‌السلام پس از آنکه در فرمان گوهر بار خود به جناب مالک (ره) دستورات لازم در زمینه گزینش افراد و شرایط گزینش را بیان می‌فرماید توجه وی را به ضرورت پرداخت حقوق کافی و بوجود آوردن زمینه سالم برای امرار معاش خدمتگذاران جلب می‌فرماید زیرا خدمتگذاران در حقیقت افراد تحت تکفل و وابسته به دولت هستند و باید باشند و در صورتی می‌توانند وقت و نیروی خود را صرف خدمات دولت جامعه بنمایند که دولت هم متعاقباً نیازمندیهای آنان را در رابطه با هزینه های زندگی تامین نموده و پاسخگو باشد و در این صورت آثار مثبتی که در نکته سوم بیان می‌شود بر آن مترتب می‌گردد و اگر دولت

<sup>۵</sup> نهج البلاغه فیض ص ۱۰۱۱

نسبت به هزینه زندگی کارمندان و خدمتگذاران توجهی نداشته باشد و احساس مسئولیتی ننمایند خواه ناخواه انحرافات قطعی برای بسیاری از خدمتگذاران و کارمندان به وجود خواهد آمد هم چنانکه در بسیاری از کشورها این مطلب به وضوح آشکار به چشم می‌خورد مسئله رشوه و حق حساب یکی از آثار روشن عدم کفاف حقوق خدمت‌گذاران و کارمندان است.

«و غنی لهم عن تناول ما تحت ایدیهم»

بررسی عامل تجاوز و دست‌درازی به بیت‌المال

یکی از عوامل انحراف خدمتگذاران موجبات خلاف و پذیرش رشوه و حق حساب و یا اختلاس و دستبرد نسبت به بیت‌المال و امثال ذالک مسئله فشار زندگی، هزینه‌های بالای امور معیشت مفید بوده و هست و چنانچه دست‌مزد و حقوق کارمند جوابگوی امور معیشت نباشد وی از ایمان و تعهد لازم برخوردار نباشد خواه ناخواه دست‌بسوی بیت‌المال که در اختیار دارد دراز می‌نماید. و یا از حق حساب پرهیز نمی‌کند و یا اقدام به رشوه‌خواری می‌کند. اما اگر حقوق کافی به آنها داده شد و خدمت‌گزار را از هزینه‌های زندگی تا اندازه‌ای تامین کنند همچنان که امام (ع) فرموده است: «ثم اسبق علیهم الارزاق» فقط در این صورت است که مصداق فرمایش امام علیه‌السلام «و غنی سهم عن تناول ما تحت ایدیهم» ظهور عینی پیدا می‌کند و آشکارا سلامت کارگزاران در خارج به چشم می‌خورد.

بنابراین فی الواقع یکی از عوامل تجاوز و دست درازی به بیت المال و دریافت حق حساب یا رشوه و تخلفات مالی، کمبود حقوق و عدم کفایت آن برای خدمت گزاران می باشد، دولت و مسئولان ذیربط جهت مبارزه قبا فساد اداری موظفند هرچه زودتر به فکرعلاج و درمان آن براساس دستورات امام مطلق و پیشوای بحق جهان اسلام باشند.

### شرایط برخورد با کارگزار

و حجه علیهم من خالفوا مرکب او ثلموا امانتک.

یکی از شرایط اولیه کیفر و مجازات و برخورد با خلافکار اتمام حجت بر مکلف است چنانچه ولی امر و یا مسئول مافوق دلیل و حجت بر افراد تحت امر تمام نکرده باشد . عقلاً و شرعاً و قانوناً نمی تواند با آنها برخورد لازم را داشته باشد و مسئله و قطعی و عقلی که در بحث اصول یکی از پایه های اجتهاد و استنباط فقهای بزرگ قرار گرفته است . مسئول مافوق آن زمان می تواند با افراد تحت امر برخورد لازم را داشته باشد که حجت را بر آنها تمام نموده و عذری را برای کارمندان خود در رابطه با ارتکاب خلاف باقی نگذارده باشد وگرنه حق کیفر و تعذر و مجازات آنها را ندارد لذا امام (علیه السلام) می فرماید: مالک در صورتی می توانی با کارمندان خود برخورد کنی و آنها را در صورت موافقت و خیانت به کیفر اعمال خود بنشانی که حجت تو نسبت به آنها بحد لازم و کافی ثابت باشد و آن حجت در صورتی بکمال می رسد که آنها را از نظر حقوق کافی برخوردار کرده باشد وگرنه اولین

پاسخ کارمند در رابطه خیانت مالی مطرح نمودن مشکلات ، هزینه های زندگی و امور معیشت است . گرچه این پاسخ در قبال تعهدات لازم که هنگام گزینش و استخدام پذیرفته است قانع کننده نیست ولیکن گرفتاریهای زندگی این راه و میدان را از نظر کارمند برای وی باز می گذارد.

### گزینش کار گزاران

امام علی(ع) در دو فراز از فرمان تاریخی خود نسبت به کیفیت گزینش و شرایط و آثار آن اشاره می فرماید:

سپس دقت کن در بکارگیری خدمت گزارانت و با توجه به آزمایش که از آنان داری و شناختی که پیدا کرده ای آنان را بکار امر و بمیل خود چشم بسته و دل بخواه مسئولیت به آنان سپار به زیرا که این روش از شاخ و برگهای ستم و خیانت است و سعی کن کسانی را که پس از آزمایش انتخاب می کنی از افراد با تجربه و با حیاء و از خانواده های پاک و صلاحیت دار باشند و همچنین از کسانی باشند که سابقه مسلمانی و آشنائی با سلام را دارا باشند زیرا کسی این گونه افراد دارای اخلاق شایسته تر و آبرومندتر هستند و مردم کمتر به آنان طمع می ورزند و دوراندیشی آنان نیز بیشتر است .

سرپیچی در انتخاب کار گزاران و انتصاب آنان در مقام منبع کاتبان و دفترداران به هوشیاری و خوش بینی و دلباختگی و خوش گمانی خود اکتفا مکن زیرا مردان زرنگ راه جلب نظر و

خوش بینی حکمرانان و زمامداران «بوسیله ظاهرسازی و خوش خدمتی خوب شناسائی می کنند و حال آنکه در پس این ظاهرسازی هیچ اخلاص و حقیقی وجود ندارد ولیکن آنانرا بوسیله تصدی مشاغل قبلی که تحت امر افراد صالح بکار گرفته بودند بیازمای و امتحان کن و هرکدام نزد عموم مردم خوش سابقه تر و به امانت داری معرف ترند برگزین که این روش خود دلیل بر اینکه نسبت به پرودگار خود و به کسی که از جانب او متصدی ولایت و فرمانگزاری شدی خیراندیش نموده ای.

### **صفات لازم کارگزار هنگام گزینش**

امام علیه السلام در این دو فراز از فرمان تاریخی خود به جانب مالک (ره) به شش شرط و صفت اساسی کارگزار هنگام گزینش و شروع استخدام اشاره می فرماید:

### **تجربه کاری**

یکی از بزرگترین و موثرترین عوامل برای موفقیت کارگزار در تشکیلات و سازمان تجربه و سابقه کاری وی می باشد مدیر و مسئول با تجربه بسیاری از نابسامانیهای سازمان خود را سامان می دهد و بالعکس مسئول و مدیر بدون تجربه و بدون سابقه کار تشکیلات سازمان یافته از یکدیگر متلاشی و پراکنده خواهد نمود لذا امام علیه السلام می فرماید بکارگیری بردن امتحان و آزمایش یکی از شاخ و برگهای ستم و خیانت است زیرا درهم ریختن یک تشکیلات بزرگترین خیانت بشمار می آید.



## شرم و حیا

از اسباب موثر در موفقیت یک موسسه و یا اداره آن است که مدیر و مسئول آن موسسه انسان با شرم و حیایی باشد که شئونات جامعه و افراد دولت و همچنین شئونات خود را حفظ کند و از دریدگی و درندگی خودداری نماید و احترام متقابل افراد را نگهدارد و با اشخاص در حد خودشان برخورد نماید که این گونه رفتار تاثیر بسزایی در جذب و سازماندهی خواهد داشت.

## پاکی و صلاحیت خانوادگی

در علم روان شناسی گفته اند صلاحیت و پاکی خانوادگی اثر به سزائی در تربیت افراد و فرزندان خواهد داشت که در بزرگی به ظهور خواهند رسید آنانکه در خانواده پست و کوتاه بین و کینه دار و بدخلق و غیره تربیت و بزرگ شوند اگر مسئولیتی را بپذیرند با دید پست و تنگ نظری و کوتاه بینی و کینه توزی با افراد تحت امر یا مافوق برخورد خواهند نمود. به خلاف آنکه در خانواده بلند مرتبت، دارای سعه صدر، دوراندیش و با گذشت، خوشرفتار و ... بزرگ شود و رشد پیدا کند آثار نیک او در هر پست و مقام که باشد به زیر دستان و مقامات بالا سرایت خواهد نمود. و حسن مدیریت وی و سامان دادن به تشکیلات سازمانی خود افراد معاشر با وی به وسیله عمل نیک او تربیت و تزکیه خواهند شد و یک مربی عملی در یک سازمان گسترده خواهد بود.

امام علی (ع) در شرایط گزینش مطرح می‌فرماید یک امر کوچک نیست بلکه با مراعات نمودن این مطلب نیروهای خدمتگذار در یک سازمان اتوماتیک وار تربیت و فعال گردیده و آن چنان به کار گرفته می‌شوند که تغییر چشمگیری را در سازمان به وجود خواهند آورد.

### سابقه مسلمانی

از جمله « والقدم فی السلام المتقدمه » بدلالیت تضمینی و دلالت منطوقی دو مطلب استفاده می‌شود:

۱- مدیر و مسئول و اصولاً خدمت‌گزاری که تحت امر او افرادی به کار اشتغال دارند باید مسلمان باشند و نمی‌توان غیرمسلمان را در پست و مسئولیت حساس و کلیدی گمارد زیرا در پست و مقام، آمریت بر دیگران که مسلمان هستند پیدا می‌کند و آیه شریفه ( لن یجعل الله لکافرین علی المسلمین سییلاً<sup>۶</sup> ) فرماندهی بر مسلمان داشته باشد.

۲- مدیر و مسئول تازه مسلمان نباشد بلکه باید از کسانی باشد که در زمان طاغوت دلش برای می‌تپید و از گسترش فساد و ظلم و ستم و کفر رنج می‌برد و برای اسلام سرمایه گذاری می‌نمود و نسبت به انقلاب فداکاری داشت که قدر اسلام و انقلاب را می‌دانند و برای آن ارج می‌نهند نه کسانی که قبلاً بی تفاوت بوده و امروزه اظهار دلسوزی برای اسلام و انقلاب می‌کنند. امام علی (ع) هشدار می‌دهد که اگر یکبار فریب انقلاب نمایی

<sup>۶</sup> سوره نساء آیه ۱۴۱

منافقین را خوردید مراقب باشید دوباره به خوش بینی و خوش گمانی خود اکتفا نکنید زیرا مومن طبق فرموده رسول اکرم (ص) نبایست دوبار از یک راه و منفذ مورد ضربه و حمله قرار گیرد<sup>۷</sup> و قطعاً اگر روزی خدای ناکرده زمانه به اسلام و انقلاب پشت کند آنها را بکی نیست و اصلاً دل سوزی برای اسلام و انقلاب نخواهند داشت.

### **کار آیی بیشتر**

یکی از اوصاف و شرایط که امام علی(ع) به جناب مالک (ره) سفارش می‌فرماید این است که هنگام گزینش خدمتگزار فردی را انتخاب و به کار گیرد که کار آیی بیشتر برای جامعه و مردم داشته و از خود آثار و نتایج بیشتری را به جای گذاشته باشد زیرا که هدف از به کارگیری افراد و انتخاب خدمت گزاران خدمات شایسته آنان نسبت به جامعه و ملت است و مسئولیت دادن به میزان و مسئولان کشوری صرفاً جهت اداره نظام و فعالیت و خدمت به ملت و رعیت می‌باشد و بس، لذا در نظر گرفتن کارایی در مدیران و مسئولان و خدمتگزاران از مسائل بسیار مهم و سرنوشت ساز در انتخاب و گزینش است .

### **چهره امانت داری**

آخرین شرط در این دو فراز مساله امانت داری مدیر و مسئول و خدمتگزار است . زیرا در یک نظام بسیاری از اموال و ناموس و حیثیت و شرف و آبرو و مسائل حیاتی مردم و ملت

<sup>۷</sup> «لا یلدغ المؤمن من جحر مرتین» نهج الفصاحه ص ۵۳۰ شماره ۲۵۵۲

در اختیار اوست. پس خدمت گذار موظف است در تمام این ابعاد ایفای مسئولیت که امانت داری است بنماید. امام علی (ع) می‌فرماید: « آن کسی که در رابطه با امانت داری چهره درخشنا تری را کسب نموده و او را بر دیگران هنگام گزینش ترجیح دهد، نکته دیگر که امام تذکر می‌دهد مساله استعلام و درخواست سوابق کاری و شغلی یک کارگزار از محل خدمت وی در گذشته است. بدین معنی که مسئول گزینش سازمان بعدی موظف است از محل خدمت اسبق آن خدمت گزار استعلام کند و بدون توجه به آن از فرد استفاده ننماید. بلکه می‌فرماید: «ولکن اختبرهم بما و لواللصالحین قبلک» از سازمانهای صلاحیت دار که فرد قبلاً در آن خدمت می‌کرده است اطلاعات کافی دریافت نموده و بر آن اساس از وی استفاده بنماید.

### نکات قابل توجه

۱- ضرورت وجود تشکیلات اداری

کل امر من امورک

از این جمله استفاده می‌شود که در یک نظام جهت اداره کشور وجود تشکیلات از مسائل ضروری است و جهت جلوگیری از هرج و مرج و مشخص شدن وظیفه هر مسئولی در مقابل اختیارات واگذار شده باید به نحو جداگانه و مجزا دسته بندی و تقسیم گردد تا مسئول خدمت گزار بداند در برابر خدا و خلق او چه مسئولیتی را به عهده گرفته و چه

وظیفه ای را باید ایفاء کند بنابراین اصل تشکیلات یک امر ضروری و اجتناب ناپذیر در اداره کشور می‌باشد.

۲- خودداری از واگذاری چند مسئولیت به یک فرد

واجعل لراس کل امر من امورک راسا منهم

امام علی (ع) به جناب مالک (ره) دستور می‌دهد که برای هر مسئولیت و پست و مقام اعم از وزارت، معاونت و ... از مسئولیتها و پست های حساس و کلیدی و غیره یک مسئول مستقل و منفردی را انتخاب و انتصاب نماید که تاثیر به سزایی در پیشبرد اهداف و وظایف مسئولین امر خواهد داشت و برخلاف این روش اگر به یک نفر چند مسئولیت داده شود علیرغم پرتوان و فعال و منظم بودن نمی‌تواند در اهداف خود موفق باشد و خواهد ناخواه آثار ضعف و کم کاری یا درجا زدن آشکار می‌گردد و لذا امام (ع) می‌فرماید در رای هر کاری یک نفر را قرار نه در راس چند کار یک نفر.

۳- دو شرط اساسی در مسئولین مشاغل کلیدی

لایقهره کبیرها، و لایتشتت علیه کثیرها

در پستها و مشاغل کلیدی امام (ع) دو شرط بسیار حساس و ظریفی را مدنظر قرار داده است که تاثیر شایانی در موفقیت و پیشبرد کارهای آن اداره و سازمان را دارد.

۱- مدیر و مسئول و خدمت گزار باید آنچنان از توان و قدرت کاری برخوردار باشد که در

برابر کارهای سنگین و بزرگ شانه خالی نکند و خمیده نگردد زیرا خستگی و کسالت به تمام کارگزاران زیردست سرایت خواهد نمود.

۲- باید مسئول و مدیری انتخاب شود که بر اثر زیادی و تنوع و اختلاف رشته های کار گیج و سردرگم نشود و رشته کار از دست وی خارج نگردد.

کار بر کارگزار مسلط نشود که در غیراینصورت مسئول بلکه کل سازمان ناموفق و با شکست مواجه خواهد شد و رو به افول خواهد گذاشت. بنابراین از اساسی ترین شرایط در موفقیت شرایط در موفقیت یک سازمان و سازماندهی انتخاب افراد شایسته و لایق در راس امور مملکتی و مسئولیتهای حساس کلیدی است.

۴- پاسخگویی مسئول نسبت به کمبودهای سازمان

و مهمانان فی کتابک من عیب فتغایب عنه الزمته

نکته قابل ملاحظه در جمله بالا اشاره به این نکته دارد که تمام مسئولین از رده های بالا تا پایین باید پاسخگوی رفتار و کردار منفی خدمت گزاران تحت امر خود باشد زیرا عیب و اشتباه آنان گریبان گیر وی نیز خواهد بود و یکی از پیامدهای سازماندهی نامطلوب مهره چینی های غیرصحيح سنگینی نمودن بار و کار بردوش و عهده مسئول در راس است و چه بسا مدیر فرد شایسته ای باشد و افراد تحت امر بر اثر جهل و ناتوانی و یا بی توجهی و عدم احساس مسئولیت در کارها اختلال نمایند و عرصه را بر مسئول تنگ و وی را گرفتار

مشکلات زیاد و فراوانی بکنند.

## رمز پیروزی مسئولان در کارهای اجرایی

رمز پیروزی مسئولان در کارهای اجرایی در دو نکته اساسی نهفته است:

۱- برای اینکه مسئول بتواند هم نسبت به کارهای معاونان اشراف داشته باشد لازم است

کارهای اولویت دار را از کارهای جزئی تفکیک نماید مسائل اولویت دار را با سرعت و

شایستگی انجام دهد و انجام مسائل غیرضروری را از معاونان طلب نماید.

۲- پس از مشخص شدن وظایف ضروری است برای هر کار زمان مناسبی منظور شود و کار

هرروز در همان روز انجام پذیرد یعنی کار امروز به فردا و کار فردا به پس فردا موکول

نگردد. ثم امور من امورک لا بدلک من مباشرتها منها اجابت عمالک بما یعیا عنهم کتابک

منها اصدار حاجات الناس یوم ورودها علیک بما تحرج بهی صدور اعوانک و امظ لکل یوم

عمله و فان لکل یوم مافی . در میان کارهای تو کارهایی است که ناگزیر باید خود انجام

دهی یکی از این کارها رسیدگی به کار معاونان است در مواردی که دبیرخانه از عهده آن

برنمی آید دیگر انجام دادن نیازمندیهای مردم است که معاونت از تسریع در آنها احساس

ناتوانی می کند برای هر روز کار همان روز را اختصاص بده زیرا کار هر روز به همان روز

بستگی دارد .

**تصمیم گیری موفق**

رمز پیروزی مسئولان در تصمیم گیریها خلاصه می شود اگر تصمیم گیری بجا و بموقع صورت گیرد، مسئول موفق و پیروز و چنانچه نابجا و به دور از حقیقت عمل شود ناموفق و بی حاصل است از این رو یک مسئول اولاً بایستی حرکتهايش بر اساس هدفی روشن انجام شود و ثانیاً به محض فراهم شدن شرایط بدون کمترین مسامحه تصمیم شایسته را عملی سازد و ایاک والعجل بالامور قبل اوانها ، اوالتساقط فیها امکانها، اوللجاجه فیها اذا تنکرت اولوهن عنها اذا استوضحت ، فضع کل امر موضعه، و اوقع کل عمل موقعه

قبل از رسیدن زمان کار از عجله پرهیز کن! اگر انجام کار ممکن شد آن را کوچک مشمار! در صورت مشخص نبودن رشته کار ، یکدندگی بخرج مده! و نیز از مسامحه و سستی در زمان روشنی اموردوری کن! بنابراین هر امری را در جای مناسب خود قرار ده و برای هر عملی در موقعیت مناسب اقدام کن. (درچیدن میوه ای که نرسیده شتاب مکن، که هنگام خود به آن خواهی رسید. و برای رفع نیازمندیهای خود پیش از وقت مشتاب که مایه دل افکاری و

بیتابی می گردد و گرفتار نومیدیت می سازد<sup>۸</sup>)

یاد آخرت، راه جلوگیری از هواهای نفسانی

اگر حاکمی در مسند حکومت بداند که هرگونه انحراف در اشباع غرایز و تمایلات و هرگونه زیاده روی و طغیان، باعث اسارتها و سقوطها و فسادها می شود و این اعمال در آخرت جز

<sup>۸</sup> بحارالانوار ج ۸۸ ص ۳۷۹



رنج و تباهی و دوزخ در پی نخواهد داشت. کوشش خواهد نمود که هواهای نفسانیش را به اعتدال کشاند و در مسیر قرآن و اسلام حرکت نماید:

### **ارزشیابی کارگزاران**

در نهج البلاغه و سیره ائمه معصومین علیهم السلام آنچه به عنوان قوام یک ارزشیابی و مورد اعتماد مدنظر قرار گرفته و از یک کیفیت کاربردی در حدعالی برخوردار می‌باشد و از نظر اعتبار و عینیت می‌تواند ملاک عمل یک حاکم قرار گیرد، نظارت است .

نظارتی که بدقت و بدون اعمال حب و بغض و توأم با آزمایش درمقاطع مختلف صورت گیرد ، که مسئول همواره و در هر جاو مکان و موقعیتی با زیر نظر گرفتن عاملین و کارگزارانش شخصیت کلی و جزئی آنها را از هر بعدی ارزیابی کرده و یا به بیان واضحتر نسبت تعهد آنان را به خدا و مردم و خویش و از سویی میزان علم و آگاهی ، توانایی انجام کار و ابتکار ، نظم و ترتیب و دقت و علاقه مندی او نسبت به کار را در او کنکاش می‌کند . چنین نظارتی را می‌توان در حیطه وظایف اصلی مدیر در قالب روش مستقیم به حساب آورد . ارزشیابی به هر شکل صحیحی ضامن پیشرفت مستمر آن دستگاه و اداره مربوطه می‌باشد.

### **نقش عقل در تداوم یک نظام**

آنچه فعلاً مطرح است این است که برقراری نظام رهین عقل مسئولین آن نظام میباشد اگر خدمتگزاران یک سیستم حکومتی عاقل باشند آن نظام بهره ای از دوام پیدا می‌کند و اگر

خردمند و فرزانه نبودند آن نظام دیرپا نبوده، در کوتاه مدت، سقوط خواهد کرد. زیرا اگر ستمها در یک نظام برابر با حوزه مسئولیتشان تنظیم شود و در طرح برنامه و قانونگذاری چیزی فروگذار نشود و همچنین در انتخاب خدمتگزاران و مسئولیتی که تعهد اجرای وظایف آن ستمهای خاص را بعهده دارند، کوتاهی نشود یعنی هم برنامه ریزی عاقلانه باشد و هم اجرای آن را عقلا به عهده بگیرند آن نظام از دوام برخوردار می‌گردد و در پرتو دوام آن خدمت گزاران نیز به کار خود ادامه می‌دهند ولی اگر طرح و برنامه ریزی عاقلانه نباشد بطوریکه بعضی از وظایف لازم حذف شود و برخی از تکالیف زاید تحمیل شود و آنچه سودمند است لغو گردد و آنچه سودمند نیست یا زیانبار است افزوده گردد آن نظام بهره‌ای از بقاء نخواهد برد و دیری نمی‌پاید که ارکان آن متزلزل می‌شود و در اثر نوسان و اضطراب کارگزاران آن نیز سهمی از دوام نخواهند داشت (بالعدل قامت السموات و الارض<sup>۹</sup>) وقتی از حضرت امیرالمومنین سوال شد که عاقل و فرزانه را برای ما توصیف کن .

فرمود: عاقل کسی است که هر چیزی را در جای خودش می‌گذارد.

دوباره سوال شد که جاهل نابخرد را برای ما توصیف کن .

فرمود: توصیف کردم یعنی جاهل کسی است که هر چیزی را بجای خودش نمی‌گذارد.

مهمترین فضیلت خدمت گزاران نظام اسلامی همان تعقل فکری و فرزانه‌گی عملی آنهاست و

<sup>۹</sup> تفسیر مافی ، ذیل آیه ۷ سوره الرحمن

بدترین صفت برای خدمت گزاران یک نظام همان تحجر فکری و نابخردی عملی آنان است که باعث فرو ریختن آن نظام می‌گردد زیرا یک خدمت گزار جاهل یا طرح باطل و برنامه غلط تدوین و تهیه می‌کند و یا در اجرای طرح و برنامه صحیح به افراط و تفریط می‌گراید و کار را از مسیر اصلی خود منحرف می‌سازد و باطلی را حق و حقی را باطل قرار می‌دهد.

هرگز یک خدمت گزار عاقل از قلمرو عقل و امانت بیرون نمی‌رود و در وادی تیره و تاریک جهل و خیانت قدم نمی‌نهد و خود را به دریافت رشوه به بهانه هدیه آلوده نمی‌کند و هر مالی که به او داده می‌شود می‌سنجد که آیا رشوه ای است زیر پوشش هدیه و کادو و مانند آن، یا نه، و آیا اگر این سمت را نمی‌داشت از آن هدایا چیزی برای او می‌فرستادند یا نه و اگر از این کار برکنار یا بازنشست شود آیا باز هم از تحفه ها و هدیه های دیگران برخوردار خواهد بود یا نه در تشخیص بین رشوه و هدیه واقعی باید کاملاً دقیق بود که مبادا حب نفس و علاقه به مال، انسان را در این داوری دچار اشتباه کند تعبیری که قرآن کریم از رشوه و مال حرام دارد عنوان «سحت» است ( و تری کثیراً منهم یسارعون فی الاثم و العدوان و اکلهم السحت<sup>۱۰</sup> ) «سحت» عبارت از پوستی است که از اصل کنده شود و آن چیزی را که دارای پوست بوده مستاصل سازد و چون مال حرام و رشوه انسان را از قشر دین و

<sup>۱۰</sup>سوره مائده ، آیه ۶۲

مردانگی بیرون می‌آورد و عریان می‌سازد لذا از آن به «سحت» تعبیر شده است و چون عذاب الهی آنچنان دردناک و اسفبار است که آدمی را مستاصل و بی‌اصل و ریشه می‌کند خداوند سبحان چنین می‌فرماید:

«فیسحتکم بعذاب<sup>۱۱</sup>» (خداوند با عذاب خود پوست شما را می‌کند و حافظ شما را از بین می‌برد و اساس شما را در هم می‌ریزد).

بنابراین خدمت گزاران اسلامی باید بدانند که اگر اموال حرامی به بهانه هدایا به دستگاه اداریشان راه یافت نظام را برهنه می‌کند و آن را مستاصل می‌سازد و لباس آنرا که مایه حفاظ و آبروی آن است از تن جدا می‌کند و پیکر عریان آن را در معرض هر آسیبی قرار می‌دهد.

### **رعایت حال محرومان و گروه ضعیف و با ایمان وظیفه اصلی خدمت گزاران**

وظیفه اصلی خدمت گزاران در نظام اسلامی رعایت حال توده محروم و گروه ضعیف است. یعنی در عین حال که هر مسئولی موظف است سمت و مقام خود را امانت الهی بداند، خیانت یا سهل انگاری در امثال دستورات را روا ندارد و همگان را از عدل و احسان خویش برخوردار کند باید بخصوص نسبت به طبقه محروم عنایت بیشتری مبذول دارد و آنان را قبل از مرفهین و متنعمین مشمول عدم و داد اسلامی قرار دهد.

<sup>۱۱</sup>سوره طه آیه ۶۱

زیرا اگر چه نظام اسلامی، عدلی فراگیر و احسانی گسترده دارد لیکن برخی به خاطر رویارویی با دشواریهای توانفرسا، بر دیگران تقدم دارند و باید زودتر و بیشتر از دیگران مورد توجه قرار گیرند چون آنها بسیاری از امکانات اولیه زندگی را فاقدند و بدون آن امکانات زندگی انسان میسر نیست. باید حقوق از دست رفته آنان هرچه زودتر از زورمندان استرداد بشود و صاحبان اصلی آن که همان محرومان جامعه هستند برسند.

اگر نظامی نه چنین باشد و خدمت گزاران آن نظام نه چنین بیندیشند و مسئولان آن نظام محروم و مرفه را یکسان ببینند و نکوشند که توانگر را به حقوق از دست رفته تهدیست آشنا و ارشاد و ملزم نمایند و نکوشند که دست افتادگان را بگیرند و آنها را سرپا نگهدارند این نظام دوام پیدا نخواهد کرد. حضرت علی (ع) در عهد نامه مالک اشتر سخنی دارد که ضمن آن مالک را موظف می کند که برای محتاجان جلسه خاص و فرصت مخصوص قرار بدهد و در حضور همه آنان بدون تشریف نظامی و ارتشی در کمال سادگی و خوشروئی و دور از تکلف و منزه از تصنع بنشیند و به سخن سخنگوی نیازمندان بخوبی گوش فرا دهد و بر آن اساس اقدام لازم را معمول دارد و می افزاید که من در چندین مورد از پیامبر اکرم شنیده ام که می فرمود: سمعت غیرمره ( مکرر شنیدم ) « لن تقدس امه لا یوخذ للضعیف فیها حقه من القوی غیرمتع<sup>۱۲</sup> » یعنی هرگز امتی که حق ضعیفان در میان آنان پایمال

<sup>۱۲</sup> نهج البلاغه فیض نامه ۵۳

می‌شود از قداست برخوردار نخواهد شد زیرا ملتی محترم و مقدس است که به عدل و امن  
حرمت نهد و به پاس احترام آن قیام کند و به استرداد حق محروم قیام نماید و به محکوم  
ساختن ظلم و تعدی مبادرت کند. بنابراین مسئولیت خدمت گزاران نظام اسلامی در رابطه با  
تامین امکانات محرومان در دو مرحله تنظیم می‌شود:

مرحله اول: استرداد حقوق از دست رفته آنهاست .

مرحله دوم: تامین نیازمندیهای آنان از بودجه بیت المال که این مرحله به نوبه خود گرفتن  
حق تهیدست از توانگر است .

خدمتگزاران نظام اسلامی موظفند علل و عوامل تکاثر را ریشه یابی کنند و نگذارند کسی با  
تجاوز به حقوق فرد یا جامعه به قله تکاثر یا انباشتن انبوهی از مال برسد و دیگری با از  
دادن حقوق مسلم خود به وادی تنگدستی و اندوه و اسف گرفتار آید.

علی علیه السلام در نامه ای که به مردم مصر مرقوم داشت، مالک اشتر را اینجنین معرفی  
نمود: « فقد بعثت علیهم من عبادالله لا ینام ایام الخوف و لا ینکل عن الاعداء ساعات الروع  
اشد علی الفجار من حریق النار<sup>۱۳</sup> » یعنی بنده ای از بندگان خداوند سبحان را به شما  
فرستادم که در زمان ترس آرام نمی‌شود و به خواب و استراحت نمی‌پردازد و از دشمنها در  
زمان بیم و هراس نمی‌ترسد و عقب نشینی نمی‌کند او نسبت به فاجران، از آتش سوزنده

<sup>۱۳</sup> نهج البلاغه فیض نامه ۳۸

تندتر و شدیدتر است.

### تامین نیازهای اساسی زندگی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بیان اهداف نظام جمهوری اسلامی چنین تصریح می‌نماید: در دولت اسلامی باید همه امکانات خود را برای پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار بهداشت و تعمیم بیمه به کاربرد « ج.ا.ا بند ۲ از اصل سوم » و با توجه به قانون دیگر « بند ۱ اصل چهل و سوم » تامین استقلال اقتصادی جامعه در ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان از جمله نیازهای اساسی او همچون مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و تدارک امکانات لازم جهت تشکیل خانواده برای همه، از مهمترین وظایف اقتصادی دولت اسلامی است . بنابراین نیازهای اساسی خدمتگزاران را طی سه عنوان کلی برشمرد و بر عهده دستگاههای طراحی کننده نظام پرداخت است که با در نظر گرفتن امکانات دولت و راههای وصول آن تامین این نیازها را پیش بینی کنند.

### اصل حفظ احترام کارگزاران

از دیدگاه ارزشی اسلام که متکی بر آیات قرآن و سنت و سیره معصومین (ع) است چنین بر می آید که ارزش کار و عمل کارگزار در حال باید محفوظ باشد و همان احترامی و حرمتی که برای خود انسان قائل هستیم . در نتیجه کار و کوشش او نیز باید در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر از این اصل به عنوان عدم استثمار و بهره کشی از کار افراد، یاد می شود. ضایع نکردن پاداش و جزای افراد در مقابل کارهایی که انجام می دهند و حفظ احترام عمل آنها در آیاتی از قرآن مجید تبیین شده است که به نمونه ای از آن اشاره می شود :

( من عمل صالحاً فلنفسه و من اساء فعلیها و ما ربک بظلام للعبید) هر کس کار نیکی انجام دهد برفع خود و هر کس که کار بدی را مرتکب شود نیز به زیان خود اوست و خداوند متعال در روز جزا، بر بندگان خود هیچ ظلم و ستمی روا نخواهد داشت<sup>۱۴</sup>.

حفظ احترام کارگزار در نظام پرداخت بدین صورت مراعات می گردد که دولت اسلامی اجره المثل یا اجره المسمی آن کار را پردازد و ضمناً نیروی کار او را استثمار نکند.

اگر دولت اسلامی امکانات اقتصادی داشته باشد، بهتر است نیروی خدمت گزاران خویش را با جذابیت های دیگری که در بازار اشتغال وجود دارد. بسنجد و همان پرداختی که در بازار کار آزاد وجود دارد، برای کارگزاران نیز مقرر نماید تا احساس کنند احترام کاری ایشان حفظ شده است و اختلاف در پرداخت و تخصص مشابه، در جامعه و دولت برطرف شود.

<sup>۱۴</sup> سوره فصلت آیه ۴۶



اگر کسی فردی را اجیر کند تا برای او کار کند، حاصل کارش را بدون فعالیت مالک شده است، و مزدبگیر (اجیر) ناگزیر است با مزدی کمتر از ارزشش که دارد بسازد این اجاره کننده مزد مناسب به اجیر بدهد به گونه ای که نه کمتر از حق او باشد و نه بیشتر، در این صورت استثماری بیش نخواهد آمد.

## خلاصه و خاتمه :

رهبری انسان ها و بسیج نیروهای عظیم نهفته آنها در سیر تکامل چه در بعد اجتماعی و زندگانی این جهانی و چه در بعد روحانی و معنوی و سلوک الی الله عالی ترین و مشکل ترین مقام انسانی است . کسی که شرایط رهبری و مدیریت را نداشته باشد قادر نخواهد بود نیروهای شگرف و ناشکفته انسان ها را به سوی سازندگی و ابتکار بسیج دهد.

اسلام عزیز در تمام دستورات و قوامین خود بیش از هر چیز انسانیت را محور قرار داده است و اصل در برنامه های فردی و اجتماعی نیز باید رشد صفات انسانی باشد و اقتصاد و مالیات جز وسیله ای است جهت هرچه بهتر و سریعتر رسیدن به این هدف والا نباید باشد. هدف اصلی و مسیر حرکت و مراحل رشد و تکامل در جامعه اسلامی در پرتو دین و مکتب تبیین می شود و مسلمانان به کلیه امور و قوانین و مقررات دین به عنوان ره آورد دومی و حکم حکیم متعال نگریسته و آنها را مصون از هرگونه خطا سهو غرض می دانند و عمل به آنها می دانند در نتیجه کل جامعه به طور هماهنگ و هم جهت به منظور نیل به اهداف تعیین شده حرکت خواهند نمود و در این صورت است که امر خطیر ارشاد هدایت و رشد و تکامل جامعه امکان پذیر می گردد.

و قد کان فیما عهد الی ... علیه و اله، فی وصایاه تخصیص علی الصلاه و الزکاه و ما ملکتہ ایمانکم، فبذلک اختتم لک بما عهدت و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.

و انا اسال ... بسعه رحميه، و عظيم قدرته على اعطاء كل رغبه ان يو فسنى و اياك لما فيه رضاه من الى قامه على العذر الواضح اليه و الى خلقه، مع حسن الشاء فى العباد، و جميل الاثر فى البلاد و تمام النعمته و تضعيف الكرامه و ان يختم لى ولك بالسعاده و الشهاده، انا اليه راجعون، والسلام على رسول ... صلى ... عليه و اله الطيبين الطاهرين و سلام تسليماً كثيراً و السلام . نهج الابلاغه فيض صفحه ۱۰۳۴

### ترجمه:

و در عهدنامه ای که پیامبر گرامی(ص) و سفارشات خود به من درج نمود اصرار و وادار نمودن مردم بر نماز و ذکات و مراعات نمودن حال بردگانی که در مملوکیت شما هستند و با این نکته عهدنامه و فرمان حکومتی خود را به پایان می‌رسانم. و لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم

و من از رحمت گسترده خداوندی و قدرت عظیم و بی پایانش مسئلت دارم که خواسته های ما را عنایت فرماید، و من تو را در هرچه رضای اوست در داشتن عذر آشکار نزد او و مخلوقش موفق کند، هم نام نیک در میان بندگان و یادگار نیکو در کشور از ما بر جای می‌ماند و هم نعمتش را بر ما تمام و بزرگواری اش را بر ما دو چندان کند و از آن ذات اقدس مسئلت دارم که پایان زندگی من و تو را با سعادت و شهادت ختم فرماید . قطعاً ما به سوی او بازگشت خواهیم کرد و درود بر رسول خدا و اولاد پاک و پاکیزه او و

نکته جالب :

امام علیه السلام در خاتمه فرمان تاریخی خود هنگام دعا برای جناب مالک (ره) در میان خواسته‌ها از پرودگار عالم برای خود و مالک موفقیت در بیان عذرخواهی از خدا و خلق خدا را مسئلت می‌نماید و این دعا بیانگر آن است که خلق خدا همانند حق تعالی صاحب حق و منت بر مسئولین و مدیران و زمامداران هستند و بایستی کوشا باشند که تمام کارها را به احسن وجه انجام داده و گرفتاریهای ملت را مرتفع و در خدمت‌گزاری کوتاهی نوزند و چنانچه در جایی موفق و انجام خواسته‌های ملت نگردیده اند بتوانند عذر آشکاری برای مردم بیان و بدین گونه رضای خالق و مخلوق را بدست آورند.

والسلام علی من یخدم الحق لذات الحق